

دوماهنامه جستارهای زبانی  
۷۵، ش ۷ (پیاپی ۳۵)، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، صص ۵۱-۷۱

## بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی: دسته‌بندی براساس نقش در کلام

جواد زارع<sup>۱</sup>، عباس اسلامی راسخ<sup>۲\*</sup>، عزیزالله دباغی<sup>۳</sup>

۱. دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۲

دریافت: ۹۴/۹/۲۲

### چکیده

امروزه سخنرانی علمی کلاسی مهم‌ترین شیوه تدریس در دانشگاه‌ها است. با توجه به ازدیاد مطالب شفاهی و بصری بیان‌شده در طی یک سخنرانی علمی و اهمیت بخشی از این مطالب در ارزیابی پایان‌ترم، دانش چگونگی پررنگ یا کم‌رنگ کردن مطالب در این سخنرانی‌ها می‌تواند برای فارسی‌آموزان مفید باشد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی چگونگی کم‌رنگ کردن یا بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی است. در این پژوهش، به‌طور ویژه می‌کوشیم با استفاده از روش تحقیق ترکیبی و مبتنی بر یک رویکرد پیکره‌محور، نقش‌های کلامی نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت را بررسی کنیم. این نشانگرها را از ۶۰ سخنرانی مندرج در پیکره فارسی سخن استخراج کردیم. پس از استخراج، نشانگرها را از لحاظ نقش کلامی دسته‌بندی نمودیم. در این پژوهش، نتایج زیر را به دست آوردیم:

۱. پنج نقش کلامی برای نشانگرهای نکات کم‌اهمیت عبارت‌اند از: «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «پوشش موضوع»، «وضعیت مطلب» و «ارتباط با امتحان».
۲. از این پنج دسته نشانگر، «پوشش موضوع» و «وضعیت مطلب» به ترتیب بیشترین شمار را به خود اختصاص دادند.
۳. «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب» و «ارتباط با امتحان» کم‌تکرارترین نشانگرها بودند. به‌طور کلی، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی علمی لزوماً مستلزم



تعامل با مخاطب و یا تقسیم کلام به نکات مهم و غیرمهم نیست. درعوض، مطالب غیرضروری سخنرانی را می‌توان با استفاده از عباراتی کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت جلوه داد که به‌صورت صریح یا تلویحی بین آنچه ارائه‌دهنده می‌خواهد پوشش بدهد یا از آن بگذرد مرز ایجاد می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** کم‌رنگ کردن مطالب، نقش کلامی، پیکره، سخنرانی علمی فارسی.

## ۱. مقدمه

در آموزش عالی، سخنرانی علمی کلاسی<sup>۱</sup> به یک سنت تبدیل شده است. سخنرانی علمی روشی سریع و کارآمد برای آموزش نظری تعداد زیادی دانشجوی در یک رشته دانشگاهی خاص است. اگرچه از سخنرانی علمی از جنبه‌های گوناگون انتقاد شده، این روش هنوز هم به‌صورت گسترده در دانشگاه به‌کار می‌رود. با توجه به توزیع متراکم اطلاعاتی این سخنرانی‌ها، پردازش هم‌زمان آن‌ها یک بار بزرگ زبانی و شناختی روی دوش دانشجویان، به‌ویژه کسانی می‌گذارد که زبان مادری‌شان زبان تدریس نیست. از سوی دیگر، از آنجا که دانش به‌دست‌آمده از این سخنرانی‌ها بخش مهمی از ارزیابی پایان‌ترم و موفقیت تحصیلی دانشجویان را تشکیل می‌دهد (Sutherland & Badger, 2004)، مهم است اطمینان حاصل شود که دانشجو حداقل مطالبی را یاد بگیرد که ارائه‌دهنده مهم تصور می‌کند و از آن‌ها یادداشت برمی‌دارد. به سخن دیگر، آنچه به درک مطلوب سخنرانی منجر می‌شود، تفکیک نکات مهم از مطالب غیرضروری است (Flowerdew, 1994; Lynch, 1994). «در گوش دادن به یک سخنرانی دانشجویان دنبال عباراتی هستند که توجه آن‌ها را به نکات مهم سوق می‌دهد» (McKeachie, 1994: 57). به این ترتیب، اینکه مشخص شود چه اطلاعاتی غیرضروری است نیز برای مخاطبان سخنرانی علمی مفید است.

فارسی‌آموزان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. با توجه به اینکه سخنرانی‌های علمی فارسی همچون زبان‌های دیگر از نظر توزیع مطالب ساختار خاص خود را دارند، فارسی‌آموزان ممکن است در درک مطالب ارائه‌شده دچار مشکل شوند.

عبارات خاصی وجود دارند که کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت بودن مطالب را نشان می‌دهند؛

همچون «جزئیاتش مهم نیست» و «چیزی که من اینجا گفتم یک چیز جانبی بود» (Deroey & Taverniers, 2012a). از این به بعد، به این عبارات نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت<sup>۲</sup> می‌گوییم.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی چگونگی کم‌رنگ کردن یا بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب در سخنرانی‌های علمی دانشگاهی است. در این تحقیق، می‌کوشیم نقش‌های کلامی نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت را بررسی کنیم. دو پرسش اصلی تحقیق عبارت‌اند از:

۱. آیا نقش‌های کلامی عباراتی که مطالب کم‌اهمیت را در سخنرانی‌های علمی فارسی نشان می‌دهند با نقش‌های کلامی عباراتی که نکات مهم را برجسته می‌کنند، شامل «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «وضعیت مطلب»، «پوشش موضوع» و «ارتباط با امتحان»، یکی هستند؟

۲. آیا بسامد این نقش‌های کلامی برای نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت و نشانگرهای نکات مهم یکی است؟

فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نقش‌های کلامی نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت با نقش‌های کلامی نشانگرهای نکات مهم یکی هستند و از «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «وضعیت مطلب»، «پوشش موضوع» و «ارتباط با امتحان» برای کم‌رنگ کردن مطالب استفاده می‌کنند.

۲. نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت و نشانگرهای نکات مهم در سخنرانی‌های علمی فارسی از نظر بسامد یکسان هستند.

این تحقیق در حوزه «زبان برای دانشگاه»<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد که در آن تنها بر نیازهای زبان‌آموزان برای گذراندن امور دانشگاهی، همچون شرکت در کلاس‌ها و انجام تکالیف، تأکید می‌شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت «عبارات واژه‌دستوری»<sup>۴</sup> هستند که کلام شفاهی یا



بصری ارائه‌شده را کم‌رنگ می‌کنند» (Deroey & Taverniers, 2012a: 2086). این عبارات به دو صورت آشکارا با استفاده از زبان ارزیابی (بی‌اهمیت، بی‌ربط و چیز جانبی) و ارتباط دادن با امتحان (تو/امتحان نمی‌آید) یا ضمنی با استفاده از ایجاد یک تأثیر کاربردی<sup>۵</sup> (و چیزهای مشابه) مطالب را کم‌رنگ نشان می‌دهند.

زمانی ارتباط یا اهمیت کم نشان داده می‌شود که ارائه‌دهنده یک سلسله‌مراتب از میزان اهمیت مطالب (Deroey & Taverniers, 2011) ایجاد و ارزیابی خود را از اهمیت مطالب بر مبنای این «سلسله‌مراتب اهمیت» بیان می‌کند (Thompson & Hunston, 2000: 24). گفتنی است که در کم‌رنگ کردن مطالب، ارزیابی از «پدیده‌های کلامی»<sup>۶</sup> (مطلب کم‌اهمیت) صورت می‌گیرد، نه پدیده‌های «غیرکلامی»<sup>۷</sup> (شخصیت مهمی نیست) و ارائه‌دهنده به‌عنوان سازنده متن عمل می‌کند، نه به‌عنوان اطلاع‌دهنده (Hunston, 2000: 183).

از لحاظ نظری، نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت از آنجا که کلام را ارزیابی می‌کنند، از ویژگی‌های فراکلامی<sup>۸</sup> و از آنجا که در تفکیک نکات مهم از غیرمهم به مخاطب کمک می‌کنند، از ویژگی‌های تعاملی سخنرانی علمی به‌شمار می‌روند (Deroey & Taverniers, 2012a). به‌طور کلی، از عبارات فراکلامی برای بیان مفاهیم مربوط به متن<sup>۹</sup> و مفاهیم تعاملی<sup>۱۰</sup> استفاده می‌شود. نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت هم مفاهیم متنی را بیان می‌کنند هم مفاهیم تعاملی. واژه ارتباط یا اهمیت در نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت دربرگیرنده مفاهیمی مانند اهمیت، ارتباط و برجستگی است؛ زیرا در سخنرانی‌های علمی این سه مفهوم بسیار به هم نزدیک هستند. ارتباط نزدیک این سه عبارت در اسم‌هایی که در ادبیات موضوع برای زبان ارزیابی وجود دارد نیز منعکس شده است؛ همچون «ارتباط» (Giannoni, 2010)، «سلسله‌مراتب اهمیت» (Bednarek, 2008)، «نشانگرهای ارتباط مخاطب‌محور» (Crawford Camiciottoli, 2004) و «سلسله‌مراتب اهمیت/ارتباط» (Thompson & Hunston, 2000).

دیروی (۲۰۱۳) گفته است که استفاده از نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت ممکن است به پردازش کارآمد و در نتیجه درک و یادداشت‌برداری موفقیت‌آمیز سخنرانی علمی منجر شود. با این حال، اطلاعات بسیار کمی پیرامون نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت موجود است. به‌جز یک مطالعه که منحصراً به بررسی این عبارات اختصاص دارد (Deroey & Taverniers, 2012a)،

دانش ما از کم‌رنگ کردن مطالب غیرمهم به تحقیق‌هایی محدود است که برخی عبارات خاص همچون «مختصر»<sup>۱۱</sup> (Nesi & Basturkmen, 2006)، «نشانگرهای کلام»<sup>۱۲</sup> (Lin, 2010)، «توسعه‌دهنده‌های عمومی»<sup>۱۳</sup> (Overstreet, 1999)، «عبارات کاهش»<sup>۱۴</sup> (Caffi, 1999)، «فراکلام سازمان‌دهی کلام»<sup>۱۵</sup> (Ädel, 2010)، «مطالب جانبی»<sup>۱۶</sup> (Strodt-Lopez, 1991) و «زبان ارزیابی»<sup>۱۷</sup> (Swales & Burke, 2003) را بررسی کرده‌اند.

دیروی و تاورنیرز (2012a) کم‌رنگ کردن مطالب را در سخنرانی‌های علمی انگلیسی بررسی کردند. این تحقیق مبتنی بر پیکره BASE با بررسی چهل سخنرانی علمی انگلیسی انجام شد (Deroey & Taverniers, 2012a). با بررسی‌های این تحقیق، درنهایت پنج دسته نشانگر «وضعیت موضوع»<sup>۱۸</sup>، «پوشش موضوع»<sup>۱۹</sup>، «دانش ارائه‌دهنده»<sup>۲۰</sup>، «ارزیابی»<sup>۲۱</sup> و «توجه و یادداشت‌برداری»<sup>۲۲</sup> برای مطالب کم‌اهمیت آشکار شد. نشانگرهای وضعیت موضوع (بی‌ربط) بین نکات مهم و غیرمهم مرز ایجاد می‌کنند. نشانگرهای پوشش موضوع (به‌طور مختصر) عبارات سازمان‌دهنده‌ای هستند که مشخص می‌کنند در تشریح، به چه موضوعاتی کمتر توجه می‌شود یا چه موضوعاتی اصلاً شرح داده نمی‌شوند. نشانگرهای دانش ارائه‌دهنده (یادم نمی‌آید) دانش ناکافی ارائه‌دهنده را می‌رسانند. نشانگرهای ارزیابی (این‌ها را یاد نگیرید) بیان می‌کنند چه چیزی در امتحان می‌آید و چه مطالبی در امتحان نمی‌آیند. نشانگرهای توجه و یادداشت‌برداری (این قسمت‌ها را نادیده بگیرید) نیز به‌طور مستقیم به مخاطب می‌گویند چه بخش‌هایی از مطالب را باید نادیده بگیرند.

زارع و همکاران (آماده انتشار) عبارات برجسته‌کننده نکات مهم در سخنرانی‌های علمی فارسی را بررسی و با استفاده از روش تحقیق ترکیبی (اکتشافی) و مبتنی بر یک رویکرد پیکره‌محور، نشانگرهای نکات مهم<sup>۲۳</sup> را از چهل سخنرانی فارسی پیکره سخن استخراج کردند. سپس نشانگرهای به‌دست‌آمده را از نظر نقش در کلام<sup>۲۴</sup> دسته‌بندی نمودند. به‌طور کلی، برای این دسته نشانگرها، پنج دسته نقش در کلام مشاهده شد که عبارت‌اند از: «سازمان‌دهی کلام»<sup>۲۵</sup>، «تعامل با مخاطب»<sup>۲۶</sup>، «وضعیت مطلب»<sup>۲۷</sup>، «پوشش موضوع»<sup>۲۸</sup> و «ارتباط با امتحان»<sup>۲۹</sup>.

سازمان‌دهی کلام مستلزم تقسیم کلام به نکات مهم و مطالب جانبی است. این نقش بیشتر



با استفاده از کلمه «نکته» در کلام ایفا می‌شود. تعامل با مخاطب به عبارتهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها، ارائه‌دهنده مخاطب را در کلام درگیر می‌کند. تعامل با مخاطب اغلب با افعالی همچون «به خاطر بسپارید»، «توجه داشته باشید»، «یادداشت کنید» و «یاد بگیرید» انجام می‌شود. وضعیت مطلب به ارزیابی مطلب به‌عنوان مهم، کم‌اهمیت و یا بی‌ربط مربوط است. نقش وضعیت مطلب بیشتر با استفاده از زبان ارزیابی (مهم) در کلام اجرا می‌شود. پوشش موضوع زمانی است که ارائه‌دهنده با استفاده از عباراتی نشان می‌دهد که قصد دارد یک موضوع را به‌طور مفصل یا خلاصه بررسی کند و یا به‌دلیل اهمیت نداشتن، به‌طور کلی از آن بگذرد. زارع و همکاران عباراتی همچون «به‌طور خلاصه»، «مفصل» و «وارد نمی‌شویم» را با این نقش همراه دیدند. ارتباط با امتحان نقشی است که با کلمه «امتحان»، مترادف‌ها و مشتق‌هایش همراه است و مشخص می‌کند چه ارتباطی بین مطالب کنونی و امتحان وجود دارد. با بررسی‌های زارع و همکاران مشخص شد که تعامل با مخاطب و پوشش موضوع به‌ترتیب پرشمارترین و کم‌تکرارترین نشانگرهای اهمیت مطلب در سخنرانی‌های فارسی هستند. به سخن دیگر، ارائه‌دهنده‌ها بیشتر تمایل دارند برای پررنگ کردن مطالب مهم در سخنرانی‌های علمی فارسی، با مخاطب تعامل داشته باشند.

### ۳. روش و رویکرد پژوهش

پیکره به‌کاررفته در این مطالعه پیکره فارسی سخن<sup>۳۰</sup> است. پیکره فارسی سخن از شصت سخنرانی حقیقی علمی تشکیل شده از سه گروه رشته‌ای مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه ساخته شده است. از هر گروه رشته‌ای بیست سخنرانی در سخن گنجانده شده است. این سخنرانی‌ها به زبان فارسی هستند و توسط مدرسین دانشگاه مرد با ملیت ایرانی و فارسی‌زبان ارائه شده‌اند.

این تحقیق را با استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی)<sup>۳۱</sup> و مبتنی بر یک رویکرد پیکره‌محور<sup>۳۲</sup> انجام دادیم. همه نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت در این تحقیق را از پیکره سخن

استخراج کردیم و در آن، مثالی از بیرون از تحقیق نگنجانیدیم. همچنین، با توجه به اینکه در ابتدای تحقیق چیز زیادی از این نشانگرها نمی‌دانستیم، از طراحی اکتشافی<sup>۳۳</sup> (Lodico et-al, 2006) استفاده کردیم. به این صورت که ابتدا رونوشت سخنرانی‌ها را به صورت دستی و کیفی بررسی و سپس بسامد و توزیع آن‌ها را در کل پیکره سخن به صورت کمی حساب کردیم.

در مرحله کیفی تحقیق، ابتدا زیرپیکره‌ای متشکل از پانزده سخنرانی علمی (پنج سخنرانی از هر گروه رشته‌ای) را از پیکره سخن ساختیم. سخنرانی‌های این زیرپیکره از نظر موضوع و مقطع دانشگاهی متفاوت بودند. سپس رونوشت این سخنرانی‌ها را به دقت به صورت دستی خواندیم و بررسی کردیم تا عبارات نشان‌دهنده مطالب غیرمهم را شناسایی کنیم. در این بررسی، عبارات نشان‌دهنده پدیده‌های غیرکلامی (جایی که مشخص نبود مطلب کم‌رنگ‌شده مربوط به کلام است یا غیرکلام)، نقل‌قول‌ها و نمونه‌های روایت‌کننده کلام دانشجو یا شخص ثالث را نادیده گرفتیم.

سپس از عبارات پیداشده در مرحله اول بررسی به عنوان کلیدواژه برای پیدا کردن سایر نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت استفاده کردیم. همچنین، مترادف‌ها و مشتقات این واژه‌ها را به همراه واژگان دیگری که مطالب کم‌اهمیت را نشان می‌دادند به این لیست اضافه نمودیم. سپس با استفاده از نرم‌افزار WordSmith (Scott, 2015) فهرستی از نشانگرهای احتمالی مطالب کم‌اهمیت استخراج‌شده از کل پیکره سخن را تهیه کردیم. نرم‌افزار WordSmith حدوداً ۱۴۰۰ نمونه از نشانگرهای احتمالی مطالب کم‌اهمیت را استخراج کرد. سپس همه این نمونه‌ها را به صورت جداگانه بررسی کردیم تا مشخص شود که نشانگر مطالب کم‌اهمیت هستند یا نه. در نتیجه این بررسی، تنها ۲۴۵ نمونه به عنوان نشانگر مطالب کم‌اهمیت مشخص شدند.

سپس این ۲۴۵ نمونه نشانگر را بیشتر بررسی کردیم تا مشخص شود هر یک چه نقشی («سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «پوشش موضوع»، «وضعیت مطلب» و «ارتباط با امتحان») در کلام دارد. در پایان و در مرحله کمی تحقیق، توزیع هر یک از نقش‌های کلامی برای نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت را حساب کردیم.



## ۴. نتایج و بحث

جدول ۱ بسامد نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت را از نظر نقش در کلام نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت از لحاظ نقش در کلام

**Table 1.** Markers of Less Important Information According to Functions

نقش در کلام	بسامد	درصد
سازمان‌دهی کلام	۲	۰.۸
تعامل با مخاطب	۱	۰.۴
وضعیت مطلب	۶۶	۲۷
پوشش موضوع	۱۷۴	۷۱
ارتباط با امتحان	۲	۰.۸
مجموع	۲۴۵	۱۰۰

جدول ۱ پنج نقش کلامی شامل «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «وضعیت مطلب»، «پوشش موضوع» و «ارتباط با امتحان» را برای عباراتی نشان می‌دهد که مطالب غیرمهم را در سخنرانی‌های علمی کلاسی فارسی کم‌رنگ می‌کنند. دیروی و تاورنیرز پنج نقش کلامی «وضعیت موضوع»، «پوشش موضوع»، «دانش ارائه‌دهنده»، «ارزیابی» و «توجه و یادداشت‌برداری» را برای این نشانگرها در سخنرانی‌های علمی انگلیسی مشاهده کردند (Deroy & Taverniers, 2012a). چهار دسته نشانگر «پوشش موضوع»، «وضعیت موضوع یا مطلب»، «تعامل با مخاطب» یا «توجه و یادداشت‌برداری» و «ارزیابی» یا «ارتباط با امتحان» بین یافته‌های این پژوهش و تحقیق دیروی و تاورنیرز مشترک هستند.

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، نقش‌های کلامی پیداشده برای نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت با نقش‌های کلامی پیداشده برای برجسته کردن مطالب مهم در مطالعه زارع و دیگران (زیر چاپ) یکی است. به این ترتیب، فرضیه اول این تحقیق درست است.

با این حال، بسامد این نقش‌های کلامی برای نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت با توزیع نشانگرهای نکات مهم در مطالعه زارع و همکاران بسیار متفاوت است. درحالی که زارع و همکاران «تعامل با مخاطب» و «سازمان‌دهی کلام» را به ترتیب به‌عنوان پرشمارترین نقش در



برجسته‌سازی نکات مهم مشاهده کردند، نتایج پژوهش حاضر این نکته را تأیید می‌کند که دو نقش بالا برای کم‌رنگ کردن مطالب تقریباً نادر بودند. به سخن دیگر، در پررنگ کردن مطالب، مهم است که ارائه‌دهنده از عباراتی استفاده کند که با درگیر کردن مخاطب، توجه او را به بخش‌های مهم مطالب سوق دهد و از او بخواهد آن‌ها را یاد بگیرد و یا یادداشت کند. اهمیت مطالب با استفاده از عباراتی نیز مشخص می‌شود که کلام را به بخش‌های مهم و بی‌اهمیت تقسیم می‌کنند (زارع و همکاران). از سوی دیگر، نشانگرهای کم‌رنگ کردن مطالب کم‌اهمیت نه مخاطب‌محور هستند و نه کلام را به مطالب مهم و غیرمهم تقسیم می‌کنند. در عوض، همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، این نشانگرها بیشتر از عباراتی استفاده می‌کنند که به صورت صریح یا غیرمستقیم بین آنچه ارائه‌دهنده می‌خواهد به طور مختصر بگوید یا اصلاً شرح ندهد، تمییز ایجاد می‌کنند. به این ترتیب، فرضیه دوم نادرست است و با نتایج مغایرت دارد. به سخن دیگر، کم‌رنگ کردن مطالب کم‌اهمیت با برجسته کردن نکات مهم از نظر توزیع نقش‌های کلامی تفاوت‌های مهمی دارند.

در ادامه، همه این نقش‌های کلامی را به همراه مثال شرح می‌دهیم.

#### ۴-۱. سازمان‌دهی کلام

سازمان‌دهی کلام مطالب موجود در سخنرانی را به بخش‌های مهم، کم‌اهمیت و جانبی تقسیم می‌کند. در نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت، معمولاً این کار از طریق استفاده از کلمه «جانبی» و مترادف‌هایش انجام می‌شود (۱ و ۲). حضور هرچند ناچیز نشانگرهای سازمان‌دهی کلام در سخنرانی‌های کلاسی فارسی به نظام نکته‌محور سخنرانی‌های علمی کلاسی مربوط است (Olsen & Huckin, 1990). با اینکه سازمان‌دهی کلام در مطالعه زارع و همکاران برای نشانگرهای مطالب مهم خیلی پرتکرار گزارش شد، در اینجا خیلی نادر دیده شد (۰٫۸٪).

۱. چیزی که در اینجا گفتم، در واقع یه چیز جانبی بود.

۲. این صورت این قضیه و ایناً اصلاً جز درس و کلاس و ایناً نیست.

#### ۴-۲. تعامل با مخاطب

برای تعامل با مخاطب که معادل فراکلام مدیریت مطلب ادل (۲۰۱۰) است، باید مخاطب به



بخش‌هایی از کلام سوق داده شود. در این دسته نشانگرها، معمولاً از مخاطب خواسته می‌شود بخش‌هایی از مطالب را حفظ کند، یاد بگیرد و یا یادداشت نماید؛ ولی در کم‌رنگ کردن مطالب، نشانگرهای این دسته توجه مخاطب را به بخش‌های غیرضروری مطالب جلب می‌کند که به مطالعه یا یادگیری آن‌ها نیازی نیست (۳). در اینجا، نکته مهم این است که تعامل با مخاطب بی‌اهمیت بودن مطالب بصری را می‌رساند.

۳. این‌ها رو شما نیاز نیست حفظ کنید.

ایفای نقش کلامی تعامل با مخاطب ازسوی ارائه‌دهنده به مخاطب در پردازش کارآمد و مفید اطلاعات کمک می‌کند؛ زیرا مستقیماً به مخاطب می‌گوید چه بخش‌هایی را حفظ نکند، یاد بگیرد و یا یادداشت نکند (Deroey & Taverniers, 2012a). با این‌حال، این نقش برای نشانگرهای کم‌رنگ کردن مطالب بسیار کم‌تکرار و تقریباً نادر بود (۴، ۰٪). این یافته از نتایج مطالعه زارع و توکلی (زیر چاپ) پشتیبانی می‌کند. ادل (۲۰۱۰) کم‌تکراری این نقش کلامی را به ویژگی‌های خاص سبکی کلام<sup>۳</sup> سخنرانی ربط می‌دهد. درمقابل، زارع و همکاران (زیر چاپ) نتیجه گرفتند که تعامل با مخاطب پرشمارترین نقش کلامی در بین نشانگرهای پررنگ کردن مطالب است.

### ۳-۴. پوشش موضوع

پوشش موضوع نقش کلامی است که به میزان توجه ارائه‌دهنده به موضوعات هنگام توضیح آن‌ها اشاره می‌کند (Ibid). به سخن دیگر، نشانگرهای پوشش موضوع مشخص می‌کنند که چه موضوعاتی به صورت محدود پوشش داده می‌شوند (۴ و ۵) یا اصلاً توضیح داده نمی‌شوند (۶). نکته مهم در این نقش کلامی این است که نشانگرهای این دسته به صورت آشکارا مطالب کم‌اهمیت را نشان نمی‌دهند. تعبیر این عبارات به عنوان نشانگرهای کم‌رنگ کردن مطالب براساس این عقیده است که با توجه به زمان محدود سخنرانی‌ها و ازدیاد مطالبی که باید در آن‌ها بحث شود، تنها مطالبی مهم هستند که درمورد آن‌ها به صورت گسترده و مفصل بحث می‌شود؛ بنابراین، آنچه مهم نیست، یا اصلاً ارائه نمی‌شود و یا ارائه‌دهنده به صورت خلاصه از آن می‌گذرد.

به طور کلی، نشانگرهای پوشش موضوع مطالب غیرمهم را به سه شیوه زیر بی‌اهمیت جلوه می‌دهند (*Ibid*):

۱. بیان اینکه چه مطالب یا موضوعاتی بحث نمی‌شود؛
  ۲. بیان پوشش محدود موضوعات و مطالب با استفاده از عباراتی که میزان اختصار و زمان موردنیاز برای توضیح مطالب را بیان می‌کنند؛
  ۳. اشاره به پوشش محدود با استفاده از توسعه‌دهنده‌های عمومی.
- نشانگرهای دسته اول خاطر نشان می‌کنند که چه مطالب یا موضوعاتی شرح داده نمی‌شوند (۴). این نشانگرها از عباراتی همچون «واردش نمی‌شیم»، «بگذریم» و «فراموش می‌کنیم» برای کم‌رنگ کردن مطالب استفاده می‌کنند. دلایل مختلفی برای پوشش ندادن برخی مطالب و موضوعات در داده‌ها یافت شد. برخی مطالب در زمان خاصی توضیح داده نمی‌شوند؛ زیرا بعداً مفصل‌تر در مورد آن‌ها صحبت می‌شود (۵). برخی از مطالب یا موضوعات بسیار پیچیده هستند، در سطح مخاطب نیستند و یا به سرفصل و اهداف درس ارتباطی ندارند (۶). مدیریت کلاس، نبودن زمان کافی برای پوشش یک موضوع یا جالب نبودن موضوع برای مخاطب از جمله دلایل ارائه‌دهنده برای صرف‌نظر کردن از پوشش برخی مطالب یا موضوعات هستند (Deroey & Taverniers, 2011).
۴. یک تفاوت‌هایی دارند که ما برای شما زیاد اشاره نمی‌کنیم.
  ۵. من وارد این نمی‌شم؛ چون بعداً باید مفصل درموردش حرف بزنم.
  ۶. به چیز پیچیده‌ای می‌شه که اصلاً راجع بهش صحبت نمی‌کنیم.
- برخی اوقات ارائه‌دهنده‌ها از عباراتی استفاده می‌کنند که میزان پرداختن به موضوع را با استفاده از عبارات مربوط به میزان اختصار و زمان بیان می‌کنند. برخی از این عبارات «نه خیلی»، «کمی»، «به‌طور خلاصه» و «بدون ذکر جزئیات» (۷) هستند.
۷. من اگه اجازه بدین خیلی مختصر درمورد هرکدومش صحبت کنم.
- در بسیاری از نشانگرهای پوشش موضوع، نوع اول و دوم با هم ترکیب می‌شوند (۷). درکل، نشانگرهای دسته اول و دوم ۲۵٪ از نشانگرهای پوشش موضوع هستند. عباراتی که پوشش ندادن یک موضوع را بیان می‌کردند پرشمارتر از عباراتی بودند که پوشش محدود یک موضوع را نشان می‌دادند. به مطالب کم‌اهمیت در این دسته از نشانگرها در قالب



«جزئیات» اشاره می‌شود (۸). مهم است بدانیم برخی از عبارات در نشانگرهای پوشش موضوع از تحمیل بر مخاطب می‌کاستند. با القای کاهش تحمیل<sup>۳۰</sup> از نظر زمان و توجه، این عبارات از انتظارات ارائه‌دهنده از مخاطب کم می‌کنند. در سخنرانی‌های علمی فارسی، نقش تخفیف تحمیل اغلب از طریق استفاده تلویحی یا صریح از «ما» و «شما» ایفا می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که ارائه‌دهنده بر عدم بحث در مورد برخی موضوعات و یا توضیح اندک آن‌ها تأکید می‌کند (۴، ۶ و ۷). به سخن دیگر، با دخیل کردن ظاهری مخاطب در تصمیمات پیرامون پوشش موضوع، یک رابطه نسبتاً برابر از نظر قدرت بین ارائه‌دهنده و مخاطب ایجاد می‌شود. همچنین، ممکن است استفاده از کلمه «فقط» در نشانگرهای پوشش موضوع از میزان تحمیل بر مخاطب بکاهد (۹).

۸. من دیگه وارد این جزئیات نشدم.

۹. فقط در حد آشنایی می‌گم.

روش سوم کم‌رنگ کردن مطالب در نشانگرهای پوشش موضوع، استفاده از توسعه‌دهنده‌های عمومی است. توسعه‌دهنده‌های عمومی عبارات مبهمی هستند که در پایان جملات ظاهر می‌شوند (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴) و نشان می‌دهند آنچه بیان می‌شود تنها بخش کوچکی از اطلاعات است (Overstreet, 1999). توسعه‌دهنده‌های عمومی می‌توانند نقش‌های مختلفی را در کلام ایفا کنند (Ibid). این عبارات می‌توانند در کلام انسجام ایجاد کنند. پیرامون پوشش موضوع، مهم این است که توسعه‌دهنده‌های عمومی به‌صورت آشکارا این نقش را در کلام ایفا نمی‌کنند؛ بلکه به‌صورت تلویحی القا می‌کنند که آنچه بیان شد تنها بخشی از مطالب بود و نیاز نیست باقی مطالب گفته شود (Overstreet & Yule, 1997). به سخن دیگر، از استفاده توسعه‌دهنده‌های عمومی برداشت می‌شود که از آنجا که ارائه‌دهنده ترجیح می‌دهد برخی مطالب را بیان نکند، آنچه گفته نمی‌شود نسبتاً مهم نیست.

۱۰. این نظریه وارد قوانین و اینا شد.

۱۱. یک و دو و اینجور چیزهاست.

۱۲. قرارداد بسته بودی فلان و فلان.

۱۳. دلتا ۲ به‌علاوه دلتا ۳ به‌علاوه همین‌طوری.

۱۴. ای به توان ۲ ایکس الی آخر.

توسعه‌دهنده‌های عمومی ۷۵٪ از کل نشانگرهای پوشش موضوع در سخنرانی‌های علمی فارسی به‌شمار می‌روند. دیروی و تاورنیرز نیز این دسته از نشانگرها را برای سخنرانی‌های علمی انگلیسی پرشمارتر از بقیه گزارش کردند (Deroy & Taverniers, 2012a). پرشماری این دسته از نشانگرها در سخنرانی‌های علمی کلاسی با پرتکراری آن‌ها در متون علمی دانشگاهی قابل‌مقایسه است (Biber et-al, 1999).

همسو با نتایج دیروی و تاورنیرز، برای سخنرانی‌های علمی انگلیسی، نشانگرهای پوشش موضوع برای کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی نیز از سایر نشانگرها پرشمارتر بودند. پرتکرار بودن این نشانگرها ممکن است با پرشماری توسعه‌دهنده‌های عمومی در نثر دانشگاهی و علمی ارتباط یابد (Biber et-al, 1999).

#### ۴-۴. وضعیت مطلب

نشانگرهای وضعیت مطلب با ارزیابی موضوعات و مطالب، آن‌ها را کم‌اهمیت و یا بی‌ربط جلوه می‌دهند. نشانگرهای وضعیت مطلب به‌طور عمده با استفاده از دو روش ارزیابی و عبارت «دره‌صورت» یا «خلاصه»، مطالب را کم‌رنگ نشان می‌دهند.

ارزیابی زمانی است که ارائه‌دهنده با استفاده از عبارات ارزیابی چون «بی‌ربط» و «بی‌اهمیت»، مطالب را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد (۱۵ و ۱۶). ارزیابی ۱۰٪ از کل نشانگرهای وضعیت موضوع را شامل می‌شود. این نشانگرها به‌صورت آشکار مهم نبودن و یا بی‌ربط بودن مطالب را نشان می‌دهند.

۱۵. این مبحث خیلی چیز مهمی نداره.

۱۶. اسمش مهم نیست.

استفاده از عبارت «دره‌صورت» یا «خلاصه» یکی دیگر از روش‌های کم‌رنگ کردن مطالب است (۱۷). این عبارات اغلب پس از مطالب بی‌اهمیت می‌آیند و با ادامه بحث اصلی سخنرانی، آن‌ها را کم‌رنگ می‌کنند. این عبارات بین موضوع اصلی سخنرانی و آنچه از اهمیت کمی برخوردار است، مرزبندی ایجاد می‌کنند.

۱۷. باید با همدیگه مرج بشه اتفاق خاصی نمی‌افته خلاصه همیشه کانستنت.



نکته مهم درباره این عبارات این است که تعبیر آن‌ها به‌عنوان نشانگر کم‌رنگ کردن مطالب، به بررسی موقعیت آن‌ها در متن بستگی دارد. این عبارات باید حتماً پس از مطالب کم‌اهمیت و قبل از موضوع اصلی بیابند تا به‌عنوان نشانگر کم‌رنگ‌کننده مطالب تفسیر شوند. همچون سخنرانی‌های علمی انگلیسی (Deroey & Taverniers, 2012a)، «دره‌صورت» و «خلاصه» در سخنرانی‌های فارسی نیز بسیار یافت شدند. در این مطالعه، این عبارات ۹۰٪ نشانگرهای وضعیت مطلب را شامل شدند. پرشماری این عبارات ممکن است به‌دلیل طبیعت نیمه‌برنامه‌ریزی‌شده سخنرانی‌های کلاسی باشد.

#### ۴-۵. ارتباط با امتحان

ارتباط با امتحان مستلزم ربط دادن مطالب بیان‌شده در سخنرانی به چیزی است که ممکن است در امتحان ارزیابی شود. در نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت، این نقش مطالب و موضوعاتی را مشخص می‌نماید که در امتحان نمی‌آیند (۱۸). در هر دو نمونه پیدا شده برای این نقش، کلمه «امتحان» دیده شد.

۱۸. مقاله‌ها هیچ‌کدام خوندنش برای امتحان نیست.

هرچند ارتباط با امتحان بسیار واضح و مفید مشخص می‌کند که چه مطالبی از سخنرانی مهم نیستند، این نقش بسیار نادر ظاهر شد. این نادر بودن با کم‌تکراری همین نشانگرها برای مطالب مهم مشابه است (Deroey & Taverniers, 2012b). از آنجا که در مورد اینکه سخنرانی‌های علمی کلاسی گنجانده‌شده در پیکره سخن از سخنرانی‌های اول و آخر ترم هستند یا نه اطلاع کافی نداریم، امکان توضیح نادر بودن این نشانگرها وجود ندارد. به‌طور معمول، نکات مهم امتحانی در جلسات اول و آخر هر ترم بیان می‌شود. البته، زارع و همکاران نادر بودن این دسته از نشانگرها را به این مطلب نسبت می‌دهند که ارتباط دادن مکرر مطالب سخنرانی به ارزیابی و امتحان ممکن است باعث کم‌رنگ شدن سایر مطالب مهمی شود که با اینکه در رشته مهم هستند، معمولاً در ارزیابی گنجانده نمی‌شوند. از طرف دیگر، ارتباط دادن مکرر مطالب سخنرانی به امتحان ممکن است به موقعیتی منجر شود که در آن، تنها نکات امتحانی تدریس می‌شود، نه همه مطالب ضروری رشته.

## ۵. نتیجه‌گیری

انجام این مطالعه به سه دلیل ضروری است. دلیل نخست این است که سخنرانی علمی یکی از مهم‌ترین سبک‌های زبانی است که دانشجویان در دانشگاه با آن سروکار دارند و به این دلیل اهمیت دارد که تنها روش آموزشی غالب برای آموزش دانش نظری رشته‌های مختلف به دانشجویان است؛ بنابراین، موفقیت مدرسان دانشگاه در زندگی حرفه‌ای به انجام موفقیت‌آمیز این کار بستگی دارد. دلیل دوم این است که چون دانش به‌دست‌آمده از این ارائه‌ها بخش اساسی ارزیابی‌ها و در نتیجه، موفقیت تحصیلی را تشکیل می‌دهد، مهم است که اطمینان حاصل شود که دانشجویان می‌توانند نکات مهم را از اطلاعات کم‌اهمیت سخنرانی تشخیص دهند. به‌عنوان نوعی ساختار سازمان‌دهنده گفتار، نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت بر درک سخنرانی و یادداشت‌برداری مطالب از سوی دانشجویان تأثیر مثبت دارند ( Björkman, 2011). سومین دلیل برای ضرورت انجام این مطالعه این است که پیش از این، در هیچ تحقیقی، چگونگی تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت بررسی نشده است.

پژوهش حاضر با اعتقاد به این اصل انجام شد که دانش چگونگی کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی کلاسی ممکن است باعث آسانی پردازش و یادداشت‌برداری هم‌زمان مطالب توسط مخاطب شود. با توجه به توزیع متراکم اطلاعات در سخنرانی‌های علمی کلاسی، گوش دادن، درک و یادداشت‌برداری هم‌زمان این اطلاعات برای کسانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست و در یکی از دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل در دانشگاه هستند، امری بس دشوار است؛ بنابراین، فارسی‌آموزان غیرایرانی می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق و مطالعات مشابه، با توزیع مطالب در سخنرانی‌های علمی فارسی بیشتر آشنا شوند و از آن برای بهبود درک و یادداشت‌برداری مطالب بهره بگیرند. با توجه به طبیعت پیکره‌محور و بررسی محدود این مقاله به این دلیل که تنها جنبه‌های شفاهی کلام را بررسی کردیم، از هرگونه نتیجه‌گیری کلی درباره جامعیت نتایج به‌دست‌آمده باید اجتناب کنیم. با این حال، از این تحقیق به نتایج قابل‌توجهی رسیدیم که با توجه به پیامدهای آموزشی هریک، در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. کم‌رنگ کردن مطالب را می‌توان با استفاده از پنج دسته نشانگر انجام داد. این نشانگرها عبارتند از: ۱. «سازمان‌دهی کلام» یا مرزبندی بین مطالب مهم و جانبی؛ ۲. «تعامل با



مخاطب» یا سوق دادن مخاطب به بخش‌هایی از کلام که باید نادیده گرفته شوند؛ ۳. «پوشش موضوع» یا بیان صریح اینکه چه بخش‌هایی مفصل و چه بخش‌هایی به‌طور خلاصه شرح داده می‌شوند؛ ۴. «وضعیت مطلب» یا ارزیابی مطالب براساس یک سلسله‌مراتب از اهمیت و ۵. «ارتباط با امتحان» یا افشای مطالبی که در امتحان نمی‌آید.

۲. امکان کم‌رنگ کردن مطالب به دو شکل صریح و ضمنی وجود دارد. برای نشانگرهای ضمنی بررسی کاربردشناسی یا موقعیت آن‌ها در جمله برای تفسیر آن‌ها به‌عنوان نشانگر مطالب کم‌اهمیت ضروری است. عباراتی که مطالب را کم‌رنگ می‌کنند از عبارتهایی که مطالب را برجسته می‌کنند به‌مراتب بیشتر به کاربردشان در موقعیت بستگی دارند.

۳. برخی نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت ممکن است از میزان تحمیل بر مخاطب بکاهند. این مربوط به عباراتی است که در آن‌ها، ارائه‌دهنده به‌صورت صریح یا ضمنی از «ما» یا «شما» استفاده می‌کند تا نشان دهد چه مطالبی پوشش داده نمی‌شوند و یا به‌صورت مختصر شرح داده می‌شوند (اگر به من اجازه بدید، خیلی مختصر در مورد هرکدومش صحبت می‌کنم).

به‌طور کلی، در این مطالعه مشخص شد که درحالی که برجسته کردن مطالب مستلزم تعامل با مخاطب و تقسیم مطالب به مهم و غیرمهم است (زارع و همکاران)، در کم‌رنگ کردن مطالب استفاده از عباراتی ضروری است که به‌صورت صریح یا ضمنی بین آنچه ارائه‌دهنده می‌خواهد مفصل شرح دهد، خلاصه توضیح دهد و یا اصلاً وارد آن نشود، مرزبندی ایجاد می‌کند.

نتایج این پژوهش از دو جنبه پیامدهای نظری و پیامدهای آموزشی قابل بررسی است. از لحاظ نظری، دانش چگونگی کم‌رنگ کردن مطالب در یک سبک خاص به‌عنوان اساس پژوهش‌های تطبیقی برای بررسی چگونگی انجام این کار در سبک‌های دیگر، همچون همایش‌های علمی، به‌کار می‌رود. به سخن دیگر، این دانش ممکن است در موارد زیر بررسی شود:

۱. آیا پنج نقش کلامی پیداشده برای کم‌رنگ کردن مطالب در سخنرانی‌های علمی کلاسی

برای سبک‌های دیگر نیز صادق است؟

۲. آیا امکان کم‌رنگ کردن مطالب کم‌اهمیت در سبک‌های دیگر نیز به دو شکل صریح و

ضمنی وجود دارد؟



۳. آیا در سبک‌های دیگر نیز ممکن است برخی نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت از میزان تحمیل بر مخاطب بکاهند؟

از لحاظ آموزشی، با این فرض که آموزش این ساختارها بر افزایش درک مخاطبان از سخنرانی‌های علمی فارسی تأثیر مثبت دارد، نتایج این تحقیق برای آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان غیرایرانی که می‌خواهند یکی از رشته‌های دانشگاهی در ایران را مطالعه کنند، بسیار اهمیت دارد. مدرسان آموزش «فارسی برای اهداف دانشگاهی» می‌توانند از عبارات و مثال‌های پیداشده از نشانگرهای مطالب کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت در این مطالعه در طراحی مواد آموزشی برای دوره‌های گوش دادن به سخنرانی علمی کلاسی و شیوه‌ارائه سخنرانی علمی بهره ببرند. به سخن دیگر، امکان بهره بردن از انواع عباراتی که مطالب را در سخنرانی‌ها کم‌رنگ می‌کنند، در طراحی منابع آموزشی فارسی برای فارسی‌آموزان غیرایرانی خواهان تحصیل در دانشگاه‌های ایران وجود دارد. همچنین، یافته‌های این مطالعه برای دروس یا دوره‌های آموزش مربی، با هدف آموزش شیوه‌ارائه سخنرانی علمی کلاسی به‌کار می‌روند. این پژوهش افق‌های جدیدی را برای بررسی چگونگی کم‌رنگ کردن نکات مهم به‌روی پژوهشگران گشوده است. به‌نظر می‌رسد که انجام مطالعات بیشتر برای بررسی پنج دسته نشانگر یافت‌شده در این تحقیق، در سبک‌ها و زبان‌های دیگر لازم است. همچنین، متغیرهایی که در سخنرانی‌های علمی کلاسی مهم هستند (فرهنگ علمی، رشته و مقطع دانشگاهی) باید در این مورد، در مطالعات دیگر بررسی شوند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. academic lecturing
2. markers of lesser importance
3. language for academic purposes
4. lexico-grammar
5. pragmatic effect
6. discourse entity
7. world entity
8. metadiscursive
9. textual
10. interpersonal
11. briefly
12. discourse markers



13. general extenders
14. mitigation devices
15. discourse organization metadiscourse
16. asides
17. evaluation
18. message status
19. topic treatment
20. lecturer knowledge
21. assessment
22. attention and note-taking
23. importance markers
24. discourse function
25. discourse organization
26. audience engagement
27. subject status
28. topic treatment
29. relating to exam

۳۰. رونوشت‌های استفاده‌شده در این مقاله از پیکره فارسی سخن برگرفته شده‌اند که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی، با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو، توسعه یافت. این پیکره با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین ساخته شد.

31. mixed-methods
32. corpus-driven
33. exploratory design
34. discourse
35. mitigation

## ۷. منابع

- زارع، جواد؛ اسلامی راسخ، عباس و عزیزالله دباغی. (زیر چاپ). «ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی: بررسی چگونگی تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت در پیکره‌های سخن و بیس». *زبان‌پژوهی*.

## References:

- Ädel, A. (2010). "Just to give you kind of a map of where we are going: a taxonomy of metadiscourse in spoken and written academic English". *Nordic Journal of English Studies*. 9(2). Pp. 69–97.

- Bednarek, M. (2008). “‘An increasingly familiar tragedy’: evaluative collocation and conflation”. *Functions of Language*. 1(1). Pp. 7–34. doi:10.1075/fol.15.1.03bed
- Biber, D., S. Johansson; G. Leech; S. Conrad & E. Finegan (1999). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. London: Longman.
- Björkman, B. (2011). “The pragmatics of English as a lingua franca in the international university: Introduction”. *Journal of Pragmatics*. 43(4). Pp. 923–925. doi:10.1016/j.pragma.2010.08.015
- Caffi, C. (1999). “On mitigation”. *Journal of Pragmatics*. 31(7). Pp. 881–909. doi:10.1016/S0378-2166(98)00098-8
- Crawford Camiciottoli, B. (2004). “Audience-oriented relevance markers in business studies lectures”. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (eds.) *Academic Discourse: Linguistic Insights into Evaluation*. Bern: Peter Lang. Pp. 81–97.
- Deroy, K.L.B. (2013). *Relevance Marking in Lectures: a Corpus-based Study*. Unpublished PhD Dissertation. Ghent University, Gent, Belgium.
- ..... & M. Taverniers (2011). “A corpus-based study of lecture functions”. *Moderna Språk*. 105(2). Pp. 1–22.
- ..... & M. Taverniers (2012a). “‘Ignore that ‘cause it’s totally irrelevant’: Marking lesser relevance in lectures”. *Journal of Pragmatics*. 4(14). Pp. 2085–2099. doi:10.1016/j.pragma.2012.10.001
- ..... & M. Taverniers (2012b). “Just remember this: Lexicogrammatical relevance markers in lectures”. *English for Specific Purposes*. 31(4). Pp. 221–233. doi:10.1016/j.esp.2012.05.001
- Flowerdew, J. (1994). “Research of relevance to second language lecture comprehension: An overview”. In J. Flowerdew (ed.) *Academic listening: Research Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 7–29.
- Hunston, S. (2000). “Evaluation and the planes of discourse: Status and value in



- persuasive texts”. In S. Hunston & G. Thompson (eds.) *Evaluation in Text: Authorial Stance and the Construction of Discourse*. Oxford: Oxford University Press. Pp. 176–207.
- Lin, C.Y. (2010). “... that's actually sort of you know trying to get consultants in...”: Functions and multifunctionality of modifiers in academic lectures”. *Journal of Pragmatics*. 42(5). Pp. 1173–1183. doi:10.1016/j.pragma.2009.10.001
  - Lodico, M. G.; D.T. Spaulding & K.H. Voegtle (2006). *Methods in Educational Research from Theory to Practice*. San Francisco, CA: John Wiley & Sons.
  - Lynch, T. (1994). “Training lecturers for international audiences”. In J. Flowerdew (ed.) *Academic Listening: Research Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 269–289.
  - McKeachie, W.J. (1994). *Teaching Tips: Strategies, Research, and Theory for College and University Teachers*. Lexington: Heath and Co.
  - Olsen, L. A. & T. H. Huckin (1990). “Point-driven understanding in engineering lecture comprehension”. *English for Specific Purposes*. 9(1). Pp. 33–47. doi:10.1016/0889-4906(90)90027-A
  - Overstreet, M. (1999). *Whales, Candlelight, and Stuff Like That: General Extenders in English Discourse*. Oxford: Oxford University Press.
  - ..... & G. Yule (1997). “On being explicit and stuff in contemporary American English”. *Journal of English Linguistics*. 25(3). Pp. 250–258. doi:10.1177/007542429702500307
  - Scott, M. (2015). *WordSmith Tools version 6*. Stroud: Lexical Analysis Software.
  - Strodt-Lopez, B. (1991). “Tying it all in: asides in university lectures”. *Applied Linguistics*. 12(2). Pp. 117–140. doi:10.1093/applin/12.2.117
  - Sutherland, P. & R. Badger (2004). “Lecturers’ perceptions of lectures”. *Journal of Further and Higher Education*. 28(3). Pp. 277–289. doi:10.1080/0309877042000241751
  - Swales, J. M. & A. Burke (2003). “‘It’s really fascinating work’”: Differences in

- evaluative adjectives across academic registers”. In P. Leistyna & C. F. Meyer (eds.) *Corpus Analysis: Language Structure and Language Use*. Amsterdam: Rodopi. Pp. 1–18.
- Thompson, G. & S. Hunston (2000). “Evaluation: an introduction”. In S. Hunston & G. Thompson (eds.) *Evaluation in Text: Authorial Stance and the Construction of Discourse*. Oxford: Oxford University Press. Pp. 1–27.
  - Zare, J. & M. Tavakoli (in press). “The use of personal metadiscourse over monologic and dialogic modes of academic speech”. *Discourse Processes*. doi:10.1080/0163853X.2015.1116342
  - Zare, J. et. al., (In press). “The scientific presentations in English and Persian: the investigation of more important contents separation in comparison to less important ones in the corpus of Sokhan and Base ”. *Zabanpazhoohi* [In Persian].